رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تأکید کرد

# پاسخ به ندای مقام معظم رهبری در مسأله تبلیغ دین

در آستانه ماه محرم‌الحرام حسینی، همایش بزرگ مبلغین اعزامی از سوی دفتر آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی با سخنرانی آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری در حسینیه آیت‌الله صافی برگزار گردید.

در ابتدای جلسه مسئولین اعزام مبلغ، گزارشی از فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی ارائه نمودند که آموزش بیش از ۱۶۰۰ نفر از برادران و خواهران –اعزام بیش از هزار نفر در طی ۳۰ سال حمایت‌های مختلف از مبلغین دین، رسیدگی به مستمندان در مناطق تبلیغی کم برخوردار – اعزام به خارج از کشور و ... از جمله این فعالیت‌ها می‌باشد.

رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بیان داشت: حقیقتا از این فعالیت‌های گسترده که پایه‌گذار آن فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی‌ﷺ بودند و در حال حاضر آیت‌الله زاده مکرم ایشان که از اساتید حوزه علیمه قم می‌باشند و ادامه دهنده آن هستند بسیار خوشحال و خرسند هستم.

آیت‌الله حسینی بوشهری در ادامه افزود: مسئله تبلیغ در ماه محرم‌الحرام به اوج خود می‌رسد، زیرا طبق روایات «ان لقتل الحسین حرارة فی قلوب المومنین لاتبرد ابدا» تا تاریخ ادامه دارد، یک جوشش و انقلابی در دل مؤمنین اتفاق می‌افتد که از پا نمی‌ایستد. این فرصت و توفیق تبلیغ نصیب شما مبلغین گردیده است که در این ماه علاقه‌مندان را با اهداف قیام آن‌حضرت آشنا می‌نمایید.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه گفت: اخلاص از ارکان تبلیغ موفق و تأثیرگذار است. مرحوم آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی‌ﷺ نماد اخلاص بودند، در طول سالیانی که از طرف ایشان مبلغین به مناطق مختلف اعزام می‌شدند، اجازه نمی‌دادند تبلیغی از ایشان بشود یا عکسی از ایشان منتشر شود.

وی افزود: آنچه مبلغ دین متکفل آن است؛ هم صحبت کردن است و هم تأثیرگذاری در مخاطب است و این مهم تحقق پیدا نمی‌کند مگر اینکه رفتار و اعمال ما تابع گفتار ما باشد.

وی نقش روحانیت و عالمان دین که عنصر اصلی تبلیغ فرهنگ دین هستند را بسیار حساس عنوان کرد و گفت: تبلیغ ارزش‌ها و هنجارهای دینی و معرفی ناهنجاری‌های دینی و اخلاقی در بین جامعه را علما و مراجع انجام می‌دهند و عالمان دین سردمداران امر به معروف و نهی از منکر در جامعه هستند؛ همانطور که مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی این روحیه را داشتند و اگر کسی سخنی را برای هدایت مردم بیان می‌کرد، با او تماس می‌گرفتند و تشکر می‌کردند.

آیت‌الله حسینی بوشهری با بیان اینکه از شاخصه‌های تبلیغ اثرگذار شجاعت است. اظهار داشت: آن کسی که با سکوتش و فریادش و آثارش اسلام را حفظ کرده مرجعیت و روحانیت هستند؛ که قرآن هم لوح تقدیر زرینی به آنان عنایت کرده و فرموده: ﴿اَلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسالاتِ اَللهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لا يَخْشَوْنَ أَحَداً إِلاَّ اَللهَ وَ كَفى بِاللهِ حَسِيباً﴾ (الأحزاب/ ۳۹)

رییس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در خصوص جایگاه و اهمیت تبلیغ دین تصریح کرد: همان‌طوری که رهبر معظم انقلاب جایگاه تبلیغ را مسئله اول معرفی نمودند و نقشه کامل تبلیغ را ترسیم کردند، تبلیغ جایگاه انبیاست؛ همان‌طوری که پیامبر مکرم اسلام فرمودند: «انما انا مبلّغ و الله یهدی».

آیت‌الله حسینی بوشهری سعه صدر را لازمه تبلیغ دانست و افزود: پیامبرﷺ ۲۳ سال در تبلیغ دین قرار داشت و آنچه که پیامبر را در تبلیغ موفق کرده بود سعه صدر پیامبر بود و لذا یک مبلغ در عرصه تبلیغ می‌بایست آستانه صبر و تحمل خود را بالا ببرد که آنچه باعث محبوبیت یک مبلغ می‌شود اخلاق حسنه اوست.

وی ادامه داد: مبلغین جایگاه عظیمی دارند. شما در دید مردم، نماینده مراجع و رهبری و اساتید حوزه هستید و عظمت شما تا آنجاست که شما مبلغین نمایندگان دین و مذهب و امام زمانﷺ هستید. پس مبلّغ یک نفر نیست بلکه نماینده یک سلسله مقدس و بزرگ است.

امام جمعه قم در تبیین جایگاه مبلغین به روایتی اشاره کرد و گفت: این روایت بشارت بزرگی است که :ألا أُخبِرُكُم عَن أقوامٍ لَيسوا بِأَنبِياءَ ولا شُهَداءَ، يَغبِطُهُم يَومَ القِيامَةِ الأَنبِياءُ وَالشُّهَداءُ بِمَنازِلِهِم مِنَ اللهِ عز و جل، عَلى مَنابِرَ مِن نورٍ يَكونونَ عَلَيها؛ قالوا: مَن هُم؟ قال: الَّذينَ يُحَبِّبونَ عِبادَ اللهِ إِلَى اللهِ، ويُحَبِّبونَ اللهَ إلى عِبادِهِ، و هُم يَمشونَ عَلَى الأَرضِ نُصَحاءَ . قالَ: قُلنا: يُحَبِّبونَ اللهَ إلى عِبادِ اللهِ، فَكَيفَ يُحَبِّبونَ عِبادَ اللهِ إِلَى اللهِ؟! قالَ: يَأمُرونَهُم بِحُبِّ اللهِ، ويَنهَونَهُم (يَعني عَمّا كَرِهَ اللهُ)، فَإِذا أطاعوهُم أَحَبَّهُمُ اللهُ .پیامبر خداﷺ فرمود : «هان ! شما را از مردمی که نه پیامبرند و نه شهید، و لیکن روز قیامت بر منبرهایی از نور قرار دارند و پیامبران و شهیدان به منزلتشان نزد خداوند عز و جل رشك می برند، باخبر کنم؟ [اصحاب] گفتند: آنان کیستند؟ فرمود: کسانی که بندگان خدا را نزد خدا محبوب می‌گردانند و خدا را محبوب بندگانش می‌سازند و خیرخواهانه بر زمین گام می‌زنند. پرسیدیم: خدا را محبوب بندگان خدا می‌گردانند [روشن است]؛ امّا چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می‌گردانند؟ فرمود: به آنان فرمان می‌دهند تا خدا را دوست بدارند و از آنچه خداوند ناخوش می‌دارد، بازشان می‌دارند و [بندگان خدا] چون از این آمران و ناهیانْ اطاعت کردند، خداوند، دوستشان خواهد داشت.

آیت‌الله حسینی بوشهری در پایان ابراز داشت: امروز نیاز تبلیغ آگاهی و ارتقای سطح دانش مبلغین است. سؤالات جامعه امروز با گذشته تفاوت‌هایی کرده است و مبلغین با آگاهی و شناخت کامل می‌بایست پاسخگوی سؤالات باشند.

گفتنی است، در پایان این همایش، نرم‌افزار تلفن همراه "دانش گنجینه" آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی به دست آیت‌الله حسینی بوشهری رونمایی شد.

گزارش: جلال خسروی

# گریه و عزاداری رسول‌خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر طبسی

با آغاز ماه محرم الحرام غم و اندوه همه جای عالم را فرا می‌گیرد و همه در سوگ و عزاداری سید و سالار شهیدان علیه‌السلام می‌نشینند. این عزاداری‌ها و اشک‌ها ریشه در تاریخ اسلام و فعل پیامبر گرامی اسلامﷺ و معصومان علیهم‌السلام دارد. همه در شهادت امام حسین علیه‌السلام گریسته‌اند و این درسی برای پیروان آن‌حضرت است. بدون تردید، این اشک‌ها سبب بقای نام و راه آن‌حضرت و یاران با وفای ایشان می‌شود. در این مجال، اسنادی از گریه و عزاداری حضرات معصومان علیهم‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام تقدیم می‌شود.

**• ۱. گریه نبی مکرم اسلامﷺ بر حسین علیه‌السلام**

ابن‌عساکر دمشقی شافعی‌مذهب متوفای ۵۷۱ قمری با سندی از عایشه همسر رسول‌خداﷺ روایت نقل می‌کند که درحالی‌که رسول‌خداﷺ خوابیده بود، حسین علیه‌السلام نزدیک ایشان شد. پس او را دور کردم و مشغول کار خودم شدم. حسین علیه‌السلام نزدیک رسول‌خدا شد و حضرت از خواب بیدار شد؛ درحالی‌که می‌گریست. گفتم: چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: جبرئیل، سرزمینی را که حسین در آن کشته می‌شود، به من نشان داد و غضب خداوند بر کسانی که خون او را می‌ریزند، افزون شد.(تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۱۹۴؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۷)

ابن‌عساکر همچنین با سندی از ابی‌عمار نقل می‌کند که گفت: ام‌فضل دختر حارث و همسر عباس‌بن عبدالمطلب گفت: یا رسول‌الله! خوابی دیدم که می‌خواهم، آن را بیان کنم. فرمود: آن را ذکر کن. گفت: دیدم که بخشی از بدن شما جدا شد و در دامن من قرار گرفت. حضرت فرمود: فاطمه علیهاالسلام فرزند پسری به دنیا می‌آورد که من او را حسین می‌نامم و تو او را بر دامن خود قرار می‌دهی. پس فاطمه حسین را به دنیا آورد و من از حسین بر دامنم مراقبت می‌کردم. روزی علی علیه‌السلام وارد شد؛ درحالی‌که حسین با من بود. علی علیه‌السلام شروع به بازی با حسین علیه‌السلام کرد؛ اما چشمانش اشک‌آلود شد. گفتم: سبب گریه شما چیست؟ فرمود: جبرئیل خبر داده که امت رسول‌خداﷺ حسین را به قتل می‌رسانند. (تاریخ دمشق، ج ۱۳، ص ۱۹۵؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۶)

در روایتی دیگر امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید: روزی بر رسول‌خداﷺ وارد شدم. دیدم چشمان آن‌حضرت پر از اشک شده. گفتم: آیا کسی شما را به غضب آورده؟ فرمود: الآن جبرئیل از نزد من رفت و او به من خبر داد که حسین علیه‌السلام در کنار شط فرات کشته می‌شود. وقتی این را از او شنیدم، نتوانستم خودم را کنترل کنم. (تاریخ دمشق، ج ۴۵، ص ۱۸۸؛ بغیة‌الطلب، ج ۶، ص ۲۵۶۹؛ تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۴۰۷)

از این روایات دو مطلب استفاده می‌شود: ۱. مشروعیت گریه بر امام حسین علیه‌السلام قبل از شهادت؛ چنانچه آن‌حضرت به‌هنگام شهادت زنده بود، گریه می‌کرد. فعل آن‌حضرت حجت است و قرآن کریم می‌فرماید: «ولکم فی رسول‌الله أسوة حسنة». در این ایام همه به‌تبعیت از رسول‌خداﷺ باید بر مصائب امام حسین علیه‌السلام گریه کنیم. ۲. خبر دادن پیامبر اکرمﷺ از شهادت امام حسین علیه‌السلام که در حقیقت این از اخبار غیبیه آن‌حضرت به حساب می‌آید.

**• ۲. گریه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر حسین علیه‌السلام**

ابن‌عباس می‌گوید: همراه علی علیه‌السلام در جنگ صفین از سرزمین نینوا گذشتیم. به من فرمود: ای ابن‌عباس! آیا می‌دانی اینجا کجاست؟ گفتم: نمی‌دانم. فرمود: اگر تو هم همانند من می‌دانستی، بدون گریه قادر به عبور از اینجا نبودی. پس آن‌حضرت گریه‌ای طولانی کرد به‌طوری که محاسن آن حضرت خیس شد و اشک‌هایش بر سینه‌اش ریخت و من هم گریه کردم. حضرت فرمود: شگفتا! ما را با آل‌ابوسفیان و آل‌حرب حزب شیطان و اولیای کفر چه کار در همین حال فرمود: ای اباعبدالله! صبر و مقاومت داشته باش و آنگاه بسیار گریست و ما نیز، با او گریستیم؛ به‌طوری که آن‌حضرت با صورت به زمین فرود آمد و از هوش رفت و پس از مدتی به هوش آمد. (مجمع‌الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۹)

**• ۳. گریه و عزاداری امام حسن بر امام حسین علیهماالسلام**

مرحوم شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ قمری، با سندی از مفضّل‌بن عمر از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که امام حسین علیه‌السلام روزی بر امام حسن علیه‌السلام وارد شد. وقتی نگاه امام حسین به امام حسن علیهماالسلام افتاد، گریست. امام حسن علیه‌السلام از برادر پرسید: سبب گریه شما چیست ای اباعبدالله!؟ فرمود: به‌خاطر آن مصائبی است که بر تو وارد می‌شود. امام حسن علیه‌السلام فرمود: آن چیزی که باعث شهادت من می‌شود، سمی است که به من داده می‌شود؛ اما روزی مانند روز تو نیست ای اباعبدالله! (لایوم کیومک یا أباعبدالله)؛ زیرا سی هزار نفر که به‌عنوان امت جد ما شناخته می‌شوند، تو را احاطه می‌کنند و با تو می‌جنگد و خون تو را می‌ریزند و حرمت تو را نگه نمی‌دارند و هتک حرمت می‌کنند و فرزندانت را اسیر و هتک حرمت می‌کنند و تو را به قتل می‌رسانند. به‌خاطر همین، خداوند لعنت فرستادن بر بنی‌امیه را حلال می‌شمارد و از آسمان خون و خاکستر می‌بارد و هر چیزی حتی وحوش و ماهیان دریا برای تو گریه می‌کنند. (امالی صدوق، ج ۱، ص ۱۷۷)

**• ۴. گریه امام سجاد علیه‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام**

مرحوم ابن‌قولویه متوفای قرن چهارم، با سندی از یکی از خادمان امام زین‌العابدین علیه‌السلام روایت می‌کند که حضرت زیر سایه‌بانی در حال سجده بود و می‌گریست. گفتم: مولای من! آیا وقت آن نشده که اندوهتان تمام شود؟ حضرت سر بلند کرد و فرمود: وای بر تو! یعقوب در کمتر از چیزی که برایم پیش آمد، به درگاه خدا نالید و گفت: افسوس بر یوسف! با اینکه یعقوب تنها یک پسر گم کرده بود؛ ولی من دیدم که پدرم و گروهی از خاندانم را پیش من سر بریدند. (کامل الزیارات، ص ۲۱۳)

مرحوم سیدبن طاووس متوفای قرن هفتم، از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: امام زین–العابدین علیه‌السلام ۴۰ سال بر پدرش گریست؛ روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت می‌گذراند و به‌هنگام افطار چون غلامش آب و غذا نزدش می‌آورد و می‌گفت: مولای من! میل کن، حضرت می‌فرمود: پسر پیامبرﷺ گرسنه و تشنه شهید شد و پیوسته این را تکرار می‌فرمود و می‌گریست و با اشک آمیخته می‌شد و پیوسته چنین بود تا از دنیا رفت. (لهوف، ص ۲۳۳)

**• ۵. گریه امام باقر علیه‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام**

در یکی از مجالس عزا با حضور امام باقر علیه‌السلام، کمیت شاعر، شعری سرود. وقتی به اینجا رسید «کشته‌شده در سرزمین طف» امام علیه‌السلام زیاد گریه کرد و فرمود: ای کمیت! اگر سرمایه‌ای داشتم، در پاداش این شعرت به تو می‌دادم؛ اما پاداش تو همان دعایی است که رسول‌خداﷺ درباره حسان‌بن ثابت فرمود که همواره به‌خاطر دفاع از ما اهل‌بیت، مورد تأیید روح‌القدس خواهی بود.

در روایت علقمه آمده که به امام باقر علیه‌السلام عرضه داشتم: فدایت بشوم چگونه است، اجر و ثواب کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید است؛ به‌طوری‌که برایش امکان ندارد، در چنین روزی به زیارت حضرت بشتابد؟ حضرت فرمود: در چنین روزی به صحرا برود یا به پشت بام بلندی در خانه‌اش رفته و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس برای حسین علیه‌السلام ندبه و گریه کند و به کسانی که در خانه هستند، امر کند که برای آن‌حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن‌حضرت در خانه‌اش اقامه عزا کند. (کامل الزیارات، ص ۱۷۵)

**• ۶. گریه امام صادق علیه‌السلام**

زیدبن شحام می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام به جعفربن عفان فرمود: به من خبر رسیده است که تو برای امام حسین علیه‌السلام نیکو شعر می‌گویی. عرض کردم: بله آقای من! فرمود: پس بخوان! او شروع به قرائت اشعار کرد. راوی می‌گوید: حضرت و اطرافیانش آن‌قدر گریه کردند که اشک آن بزرگوار بر محاسن و صورتش جاری شد و یا در حدیثی وارد شده که کمیت شاعر روزی بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد و برای آن‌حضرت شعر و مرثیه‌خوانی کرد. حضرت گریه شدیدی کرد و بانوان منزل در پس پرده با صدای بلند گریه کردند. ناگاه کنیزی از پس پرده بیرون آمد و کودکی را در دامان امام صادق علیه‌السلام گذاشت. حضرت گریه بسیار شدیدی کرد و صدای زن‌ها از پس پرده شدید گشت. (کامل الزیارات، ص ۱۸۵)

**• ۷. گریه و عزاداری امام رضا علیه‌السلام**

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: ای پسر شبیب! اگر می‌خواهی برای چیزی گریه کنی، برای حسین علیه‌السلام گریه کن؛ زیرا همان‌گونه که قوچ را سر می‌برند، آن‌حضرت را کشتند و از افراد خانواده او ۱۸ مرد کشته شدند که در روی زمین نظیر نداشتند. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۳، ص ۵۰۳)

# آموزه‌های تبلیغ دین در سیره امام صادق علیه‌السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم ترخان، مدیر گروه تخصصی علوم انسانی قرآنی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در شرایط امروز ابزارها متفاوت شده و تبلیغ در قالب‌های مختلف از جمله فضای مجازی نمود یافته و با شکل سنتی خود فاصله فراوانی گرفته است؛ بنابراین مبلغ باید پیام را در روزگار کنونی به بهترین شکل به مخاطب منتقل کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم ترخان مدیر گروه تخصصی علوم انسانی قرآنی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگویی به بررسی شیوه‌های تبلیغ دین در سیره امام صادق علیه‌السلام پرداخت که به بدین شرح است.

**• تبلیغ در سیره صادق آل‌محمدﷺ**

در تبلیغ، رساندن پیام است که اهمیت دارد؛ پس از مقدماتی که به آن اشاره شد، به سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام می‌رسیم که درباره تمامی مؤلفه‌های یادشده، می‌توان نظر امام را جویا شد و پیگیری کرد. طبیعتاً الگو قرار دادن آن حضرت تأثیر به‌سزایی در امر تبلیغ دین دارد.

عمیق بودن و کوتاه بودن پیام اهمیت به‌سزایی دارد. امام صادق علیه‌السلام این مؤلفه‌ها را در قالب موضوعاتی نظیر امام‌شناسی، مبارزه با انحرافات و مبارزه با طاغوت، ظلم و ستم، وحدت و برادری، تأکید بر مواسات و حمایت از نیازمندان و بسیاری از امور مهم دیگر بیان می‌فرماید و همه این پیام‌ها موضوعیت دارند. از سوی دیگر مبارزه با غلات را در دستور کار خود قرار می‌دهد؛ یعنی کسانی که پیام غلط و دروغ را در جامعه می‌پراکنند، افرادی که در امر محبت به اهل بیت علیهم‌السلام اهل افراط هستند و آنان را در جایگاه خدایی می‌نشانند.

**• ویژگی‌های تبلیغ در عصر جدید**

در شرایط امروز ابزارها متفاوت شده و تبلیغ در قالب‌های مختلف از جمله فضای مجازی نمود یافته و با شکل سنتی خود، فاصله فراوانی گرفته است؛ بنابراین مبلغ باید پیام را در روزگار کنونی به بهترین شکل به مخاطب منتقل کند. مبلغ نباید از ناملایمات خسته شود و باید به حرفی که خود می‌زند، باور داشته و به آن عمل کند، باید صبور باشد و با سعه صدر به سؤالات پاسخ بگوید. این موارد را در بیانات و سیره امام صادق علیه‌السلام می‌توان یافت.

**• اثرگذاری کلام، در سایه عمل به گفتار**

مسأله دیگری که در مورد مبلغ اهمیت دارد و در سیره امام صادق علیه‌السلام به‌وضوح نمایان است، عامل بودن به آن چیزی است که مبلغ مردم را به آن دعوت می‌کند، به بیان دیگر عالم عامل بودن؛ لذا امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کونوا دعاه الناس بغیر ألسنتکم» (با غیر زبان‌های‌تان مردم را دعوت کنید). این بدان معناست که باید در مقام عمل مردم را دعوت کرد؛ مردم باید مشاهده کنند که مبلغ خود اهل عمل است و به سخنانی که مطرح می‌کند، عمل کرده و صرفاً شعار نمی‌دهد. امام صادق علیه‌السلام در حدیث دیگری نیز، همین مسأله را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: با عمل خود بدون اینکه سخن بگویید و به‌صورت خاموش، مردم را به سنت ما اهل‌بیت علیهم‌السلام دعوت کنید.

**• صمیمیت و هم‌سطح شدن مبلغ با مردم**

«مفضل‌بن عمر» از شاگردان و اصحاب امام صادق علیه‌السلام بود. روزی در خیابان دو نفر را مشاهده کرد بر سر موضوع ارث با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند. مفضل این دو را به منزل خود دعوت کرد و پس از حل مشکل آنها و فیصله دادن دعوا با پرداخت ۴۰۰ درهم از جیب خود، گفت: این درهم‌ها برای من نیست؛ بلکه از آن امام صادق علیه‌السلام است که این مبلغ را نزد من گذاشته است تا با آن مشکلات شیعیان را حل کنم؛ این رویکرد امام علیه‌السلام در واقع همان اقدام عملی است.

**• مردم‌شناسی و مردم‌داری در تبلیغ**

از سوی دیگر مبلغ باید انسان زیرکی باشد و به‌راحتی دچار فریب نشود. این سیره امام صادق علیه‌السلام است؛ برای مثال در برخورد با ابومسلم، ابوسلمه خلال و بسیاری از موارد دیگر، حضرت متوجه شدند که آنان به دنبال مطامع سیاسی خود هستند و لذا در زمین این افراد بازی نکردند؛ یک مبلغ نیز باید چنین باشد و با شناخت موقعیت و زمان و مکان سخن بگوید. از سوی دیگر توجه به تبلیغ آشکار و پنهان نیز اهمیت دارد. امام صادق علیه‌السلام با توجه به شرایط آن روزگار تبلیغ پنهانی را هم تجربه کردند؛ همچنین با توجه به موقعیت خاصی که از نزاع میان بنی‌امیه و عباسیان پیش آمده بود، حوزه علمیه بزرگی را سامان داده و شاگردان متعددی را تربیت کردند؛ همچنین به پرسش‌ها در قالب برگزاری مناظرات پاسخ گفته و با افرادی چون ابن‌مقفع، سفیان ثوری و ... مناظره داشتند.

**• تبلیغ همراه با مهرورزی و محبت**

مطابق با سیره امام صادق علیه‌السلام امر به معروف یا نهی از منکر باید همراه با محبت باشد. در دوران زندگی امام صادق علیه‌السلام، ابوبصیر از یاران نزدیک آن امام همام می‌گفت: مرا همسایه‌ای بود که مرتکب کارهای ناشایست متعدد می‌شد. به درخواست خودش حال وی را برای امام بازگو کردم.

حضرت فرمود: به او بگو که: «آنچه را که تو بر آن هستی واگذار و من از برای تو بر خدا بهشت را ضامن می‌شوم؛ دَعْ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ وَ أَضْمَنُ لَكَ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ».

به شقرانی به اعتبار اینکه یکی از اجدادش برده بوده و رسول‌خداﷺ او را آزاد کرده بود، «مولی رسول‌الله» می‌گفتند و این افتخاری برای وی بود. امام با کمال محبت به ایشان فرمود: «کار خوب از هر کسی خوب است؛ ولی از تو به‌واسطه انتسابی که با ما داری و تو را وابسته به خاندان رسالت می‌دانند، خوب‌تر و زیباتر است. و کار بد از هرکس بد است؛ ولی از تو به‌خاطر همین انتساب زشت‌تر و قبیح‌تر است».

**• مخاطب‌شناسی در ارتباطات تبلیغی**

نکته دیگر آن است که در امر تبلیغ باید مخاطب‌شناس باشیم. امام صادق علیه‌السلام همواره نسبت به جوانان تأکید داشت و آنان را به کسب معارف دین و دانش‌اندوزی دعوت می‌کرد. توجه به مخاطبان جوان، از جمله مسائلی بود که حضرت به آن توجه داشت؛ همچنین توجه به ظرفیت روحی افراد در انتقال یک پیام. امام صادق علیه‌السلام فرمود: کسانی که ایمان کامل‌تری دارند، نباید از دیگران بیشتر از ظرفیت‌شان انتظاری داشته باشند.

**• زمان‌شناسی و مخاطب‌شناسی در تبلیغ دین**

اما یکی از مهمترین روش‌ها در سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام آن است که ایشان در لحظات خاص پیام را منتقل می‌کنند؛ برای مثال حضرت در لحظات پایانی عمر مبارک خود، اقوام و نزدیکان را فراخوانده و فرمودند: «شفاعت ما اهل‌بیت به کسی نمی‌رسید که نمازش را سبک بشمارد؛ همچنین در باب زمان‌شناسی، می‌توان به بهره‌برداری حضرت از مجلس عزای امام حسین علیه‌السلام اشاره داشت و یا رساندن پیام و بیان مطالب مختلف در ایام حج؛ بنابراین مکان و زمان اهمیت به‌سزایی در انتقال پیام دارد.

**• نکته پایانی**

در نهایت باید بر این نکته تأکید کرد که تبلیغ و رساندن پیام عناصری دارد. این عناصر تک تک باید مورد توجه قرار بگیرند تا پیام به‌درستی منتقل شود. همه این موارد در سیره امام صادق علیه‌السلام قابل مشاهده است.

منبع: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی